

درنگی دوباره در راه تاریخ و

دکتر سعید طاووسی مسرور

آتش‌زا به آثار تاریخی به بهانه جشن چهارشنبه‌سوری، روی این آثار پنجه می‌کشند و زخم و جراحت ایجاد می‌کنند. برخی از بناهای تاریخی هم، چنان به حال خود رها شده که محل اجتماع معتادان شده‌اند و آتش‌روشن کردن آنان، آثار سوختگی بر دیوارهای بنا بر جای می‌گذارد که برای نمونه می‌توان به قلعه کاسنی شهرری که یادگاری از دوره ساسانی است اشاره کرد. در واقع، ما به دست خود آرام‌آرام این آثار را نابود می‌کنیم تا چندان چیزی از آن‌ها باقی نماند و بیشتر مایه عبرت آیندگان شود!!



آثار سوختگی بر دیوارهای قلعه کاسنی - ۴ فروردین ۱۴۰۳

گذشته از اقدامات برخی از مردم، حفظ میراث فرهنگی از اولویت‌ها و دغدغه‌های جدی دولت‌های پیشین نبوده، که شاهد آن استمرار وضعیت نابسامان بسیاری از آثار تاریخی تا به امروز در کنار تخریب عمدی آثار متعدد یا ویرانی آن‌ها به دلیل عدم نگهداری در دوره این دولت‌هاست که برای نمونه می‌توان به

در سفرنامه دوم عبدالغفار خان نجم‌الدوله (در گذشته به سال ۱۳۲۶ق)، ریاضی‌دان و منجم دوره ناصرالدین شاه قاجار، ذیل شنبه ۱۰ رمضان ۱۳۰۶ چنین آمده است: «رفتیم به تماشای تخت جمشید؛ عجب بنایی است. حقیر که خود را قابل توصیف آن نمی‌داند. متقدمین، از ایرانی و فرنگی، شروح مفصل در این باب نوشته‌اند. آن قدر عرض می‌کند که چنین عالی‌بنایی امروز در هیچ مملکتی، از آثار قدیم، باقی نیست. سزاوار این است که از هر گونه جواهر گران‌بها عزیزترش بداریم و حال بی‌صاحب و بدون مستحفظ سالیان دراز است افتاده و فرنگی‌ها می‌آیند، آنچه ممکن [باشد] و بتوانند می‌کنند و می‌برند. آنچه نتوانند، از حسادت و خبث ذات که چرا باید در مملکت ایران چنین بنایی باشد، دستی [یعنی عمداً] می‌شکنند و می‌ریزند، چنانچه [درست آن: چنان‌که] بسیاری از مجسمه‌های [جمشید و سایر] را شکسته و حک کرده‌اند. عن‌قریب علامت قابلی در آنجا نخواهد ماند. مرحوم معتمدالدوله در حکومت خود، چند نفر مستحفظ گماشته بودند، بعد موقوف شده؛ و جای هزار افسوس و حسرت است.»

این گزارش خیلی جالب است، هم از این نظر که می‌گوید در زمان حکومت مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله (در گذشته به سال ۱۳۰۵ق) فرزند عباس میرزا و عموی ناصرالدین شاه بر جنوب غربی ایران، رسماً از تخت جمشید محافظت می‌شده و هم از نظر آسیب‌هایی که غریبان به این میراث فرهنگی کشورمان وارد کرده‌اند.

امروزه مانند عصر قاجار، آثار باستانی و تاریخی ایران جولانگاه خراب‌کاری و غارت فرنگیان نیست، چون حاکمیت نظام جمهوری اسلامی دست غریبان را از میراث تاریخی ایران کوتاه کرده است، اما متأسفانه خودمان، چنان‌که باید و شاید، قدر این میراث گران‌بها را نمی‌دانیم. برای مثال، گاهی برخی از ایرانیان با نوشتن یادگاری یا با اقداماتی دیگر، مانند پرتاب مواد

اهمیت حفظ میراث فرهنگی



خانه شیخ فضل الله نوری - ۴ فروردین ۱۳۹۷

و پیشینه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی-شیعی گوشزد و تبیین کنیم تا نسل‌های آینده، خود، حافظان میراث تاریخی و فرهنگی ایران باشند و این آثار را به نسل‌های پس از خود برسانند تا ایران و هویت تاریخی و فرهنگ اصیلش پابرجا بماند. ان‌شاءالله تعالی.



خانه شیخ فضل الله نوری - دی ماه ۱۴۰۳
ریزش بنای خانه شیخ فضل الله نوری در مجاورت شهرداری تهران

امید است در دولت جدید توجه ویژه‌ای به حفظ میراث تاریخی و فرهنگی ایران شود؛ اما آنچه به ما مدرسان تاریخ مربوط می‌شود این است که ذهن نوجوان و جوان ایرانی را نسبت به حفظ این آثار حساس کنیم و ارزش این بناها و اجزای آن‌ها مانند طرح روی یک کاشی یا کتیبه روی یک سردر را به‌عنوان اسناد هویت ملی